بررسی مقایسه ای سرمشق‌های سیاست‌گذاری مدیران سینمایی در دو دولت اصول گرا و اصلاح‌طلب

(مطالعه موردی: جوادشمقدری و سیف الله داد)

مجید فدائی [۱]

چکیده

مدیران و سیاست‌گذاران فرهنگی از سرمشق‌های سیاست‌گذاری برای حل مسائل و محقق ساختن اهداف خود در حوزه فرهنگ استفاده می‌کنند. از میان سرمشق‌های سیاست‌گذاری، همواره دو سرمشق عمده آرمان‌شهر گرایی و واقع‌گرایی بیشتر موردتوجه بوده‌اند. مسئله اصلی این پژوهش بررسی مقایسه ای نوع و تاثیر سرمشق‌های سیاست‌گذاری دو مدیر سینمایی کشور سیف‌الله داد و جواد شمقدری در حوزه سیاست‌گذاری سینمایی ایران بوده است. به این منظور این پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوا و بهره‌گیری از ابزار مطالعه اسناد و اطلاعات کتابخانه‌ای به بررسی سیاست‌های مندرج در دفترچه‌های سیاست‌های سینمایی منتشرشده و دیدگاه‌های این دو مدیر سینمایی در دوره‌های یادشده پرداخته و به این نتیجه رسیده است که مسائل و موضوعات موردتوجه دو مدیر سینمایی علیرغم تفاوت عمده در نگاه و رویکردهای سیاسی دو دولت تا حد زیادی شبیه بوده و مدیران سینمایی این دو دوره، با انتخاب دو سرمشق سیاست‌گذاری متفاوت سعی در حل این مشکلات داشته‌اند. با این حال گاه برخی اقدامات این دو سیاست‌گذار سینمایی تحت تأثیر القائات جناحی و سیاسی در تضاد با سیاست‌ها و سرمشق‌های سیاست‌گذاری انتخابی بوده و جریان سیاست‌گذاری را دچار دوگانگی کرده است. راه حل رهایی و حل مشکل سیاست‌گذاری سلیقه‌ای و جناحی، نگاهی فراجناحی و ترکیبی است که در خروجی سینمایی‌اش بتواند از بستر تصویرگری واقعیت‌های جامعه، چگونگی وصول به جامعه مطلوب توحیدی را به مخاطب عرضه کند.

واژه‌های کلیدی

سرمشق سیاست‌گذاری، سیاست‌گذاری سینمایی، سرمشق واقع‌گرا، سرمشق آرمان‌شهر گرا، سیاست‌گذاری فرهنگی.

---

۱. عضو هیات علمی کروه عکاسی، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اصفهان، m.fadaei@aui.ac.ir

تاریخ دریافت : ۱۴۰۰/۰۶/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۵

۱. مقدمه

تقریباً همه کشورهای دارای سینما چه کشورهایی که دارای صنعت سینمایی بومی شامل تولید توزیع و نمایش هستند و چه کشورهایی که صرفاً نمایش‌دهنده آثار سینمایی کشورهای دیگر به خصوص آثار هالیوودی در سالن‌های نمایش داخلی هستند، سیاست‌هایی در حوزه سینما دارند. آلبرت موران[1] معتقد است «سیاست‌های سینمایی امری معمول و رایج است اما یکی از اشکال و وجوه سیاست‌های فرهنگی است. حمایت‌های دولتی از تولیدات فرهنگی در اشکال گوناگون در سراسر کشورهای جهان برای قرن‌ها وجود داشته و خواهد داشت» (موران، ۱۹۹۶: ۱۳۱). در سینمای ایران مدیران و سیاست‌گذاران سینمایی تصمیمات و سیاست‌های کلان سینمایی کشور را بر اساس سیاست فرهنگی هر دولت و گاه بیانات، فرامین و انتظارات مسئولان بلندپایه‌ی نظام استخراج و تدوین می‌کنند. آنها البته همچنین دانسته یا ندانسته متأثر از بسیاری عوامل دیگر نیز هستند ــ با توجه به منافع، علایق و هویت‌های کمابیش مشابه یا متفاوتی که هریک از آن‌ها دارند ــ که باعث می‌شود در سطح سیاست‌گذاری، انسجام نظری و عملی لازم و پایدار در مواجهه با مسائل فرهنگی و سینمایی کشور، شکل نگیرد و گاه حتی تفاوت‌های زیادی در رویکردهای هر دوره یا هر دولت در عرصه سیاست‌گذاری سینمایی به وجود آید، که به اعتقاد برخی « این تفاوت نه ناشی از ناآگاهی یا نبود تعریف دستوری، بلکه حاصل قرار گرفتن افراد در موقعیت‌های مختلف و پیوند خوردن منافع آن‌ها با نوع نگاه آن‌ها با مسأله فرهنگ است» (دریس و دیگران، ۵۶:۱۳۹۸). این موضوع به خصوص در حوزه سینما نتایج و پیامدهای متفاوتی را نیز در پی داشته است. در این پژوهش به دلیل تشابه بسیار سیاست‌های سینمایی اتخاذ شده در دو دولت متفاوت به لحاظ رویکرد سیاسی و فرهنگی، یعنی دوره اول ریاست جمهوری سید محمد خاتمی معروف به دوره اصلاحات و دوره دوم ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد معروف به دوران اصول گرایی و عدالت گرایی به بررسی نقش سیاست‌گذاران سینمایی در تهیه، تنظیم و اجرای سیاست‌های سینمایی پرداخته‌شده است. هدف این پژوهش بررسی شیوه‌ها و سرمشق های سیاست‌گذاری سینمایی در دوره‌های یادشده، می‌باشد و به این سؤال می‌پردازد که سرمشق‌های سیاست‌گذاری مدیران سینمایی

[1] Albert Moran

این دو دوره چه بوده و چه نقشی در تدوین و اتخاذ سیاست‌های سینمایی ایران داشته است؟ به این منظور سیاست‌های اتخاذ شده و نحوه سیاست‌گذاری دو مدیر سینمایی کشور در دو دولت اصلاح‌طلب و اصول گرا یعنی سیف‌الله داد (۱۳۷۶-۱۳۸۰) در دوره اول ریاست جمهوری سید محمد خاتمی و جواد شمقدری (۱۳۸۸-۱۳۹۲) در دوره دوم ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد که طبق روال سال‌ها و دوره‌های قبل در قالب دفترچه سیاست‌های سینمایی توسط معاونت سینمایی وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی منتشرشده‌اند؛ انتخاب و بررسی‌شده است.

۲. پیشینه تحقیق

ادبیات موجود در خصوص بررسی عملکرد سیاست‌گذاران سینمایی کشور معدود و بیشتر در حاشیه بررسی سیاست‌های سینمایی صورت گرفته است که مهم‌ترین آن‌ها مواردی است که در پی می‌آید. جمال شیرمحمدی (۱۳۷۶) در کتاب «سیاست‌گذاران یا سیاست‌بازان بعد از انقلاب» سعی کرده تا زوایای پنهان و استعماری ورود، توسعه و سیاست‌گذاری سینما در ایران را از ابتدای ورود سینما به ایران تا زمان نگارش کتاب موردبررسی قرار دهد. به این منظور، نویسنده سینمای ایران را به دو بخش سینمای قبل از انقلاب و سینمای بعد از انقلاب تقسیم می‌کند. وی با رویکردی به زعم خود ضد استعماری به دنبال نشان دادن تأثیرات و القائات پنهان و نامحسوس بیگانگان در تصمیمات سیاست‌گذاران و فیلم‌سازان ایرانی و از مسیر خارج کردن سینمای ایران می پردازد و با نگاهی شکاکانه به تصمیمات و عملکردهای سیاست‌گذاران و فیلم‌سازان پرداخته و عملکرد آن‌ها را مورد نقد قرار می‌دهد.

علی تاجدینی (۱۳۷۸)در مقاله «سیاست‌گذاران سینمای پس از انقلاب اسلامی» به معرفی اجمالی مدیران و سیاست‌گذاران چهار دوره سینمایی کشور و دیدگاه‌های آن‌ها که تأثیر بسزایی در انحطاط یا کمال سینمای ایران داشته‌اند، می‌پردازد. بابک غفوری آذر (۱۳۸۸) در «پرونده یک موضوع : معاونت سینمایی ، رفت آمد در عمارت خیابان کمال‌الملک» به‌طور مختصر به تاریخچه و چگونگی شکل‌گیری معاونت سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان بالاترین دستگاه سینمایی و مجری سیاست‌های سینمایی کشور پرداخته است. وی همچنین مسئولان این معاونت را که در واقع مجری سیاست‌های

سینمایی نظام بوده‌اند را از ابتدای تشکیل این معاونت تا سال۱۳۸۶معرفی کرده است به علاوه نویسنده به صورت مختصر برای هر کدام از این مدیران مواردی چون شاخص اصلی اجرایی و سیاست‌گذاری، شعار اصلی ، اظهارنظر شاخص و فیلم‌های معروف دوران مدیریت این سیاست‌گذاران سینمایی را از دیدگاه خود بیان کرده است. اعظم راودراد و مصطفی اسدزاده (۱۳۸۹) در مقالعه «جامعه‌شناسی سیاسی ایران (بایدها و نبایدهای سیاست‌گذاران سینمای ایران در دهه‌های۱۳۷۰و۱۳۸۰)» با اتخاذ رویکردی جامعه‌شناسانه به سینما، سعی کرده‌اند تا سیاست‌های سینمایی را در دو دهه ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ به صورت مختصر موردبررسی قرار دهند. نویسندگان ضمن بررسی و تحلیل سیاست‌های فرهنگی و سینمایی دولت در دهه ۱۳۷۰(۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰) همچنین سیاست‌های فرهنگی و سینمایی دولت در دهه ۱۳۸۰ (۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷) نتیجه می‌گیرند که در طول دو دهه ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ همواره دو گفتمان اصولگرا و اصلاح‌طلب در تقابل با یکدیگر قرارگرفته و سیاست‌گذاران سینمایی هر دوره نیز متأثر از گفتمان سیاسی و فرهنگ سیاسی حاکم بر جامعه، در حوزه فیلم و سینما سیاست‌گذاری کرده‌اند. همچنین اعظم راودراد و امیرحسین تمنایی(۱۳۹۲) در مقاله «تحلیل رابطه سیاست‌های فرهنگی- سینمایی ایران با فیلم‌های معرفی‌شده به عنوان نمایندگان سینمای ایران به آکادمی اسکار» به‌نوعی به جریان سیاست‌گذاری سینمای در ایران پرداخته‌اند. در این مقاله نویسندگان با رویکرد جامعه‌شناسی سینما و تحلیل کیفی محتوای دو فیلم *بچه‌های آسمان* که در دوره سیف‌الله داد و *جدایی نادر از سیمین* در دوره جواد شمقدری به عنوان نمایندگان سینمای ایران به آکادمی اسکار معرفی‌شده‌اند، پرداخته‌اند. از نظر نویسندگان معرفی فیلم *بچه‌های آسمان* و *جدایی نادر از سیمین* به عنوان نماینده سینمای ایران به اسکار در دو دوره یاد شده با سیاست‌های سینمایی این دوره‌ها متفاوت بوده و خط بطلانی بر این سیاست‌ها کشیده است. مصطفی اسدزاده و حسام‌الدین آشنا (۱۳۹۹) در مقاله خود «نظریه سینمای دولتی ایران (تحلیل سیاست‌گذاری سینمای پس از انقلاب با تأکید بر سیاست‌های بنیاد سینمایی فارابی)» به بررسی سیاست‌های سینمایی بنیاد سینمایی فارابی در چهار دهه بعد از انقلاب در سینمای ایران پرداخته و نتیجه می‌گیرند، سیاست‌گذاران و مدیران بنیاد سینمایی فارابی از زمان تأسیس تاکنون در اندیشه تولید فیلم ایرانی و ایجاد سینمای ملی بوده‌اند، اما هر کدام با برداشتی خاص و متفاوت از رسانه سینما و مفهوم سینمای ملی و مخاطبان آن، اقدام به

سیاست‌گذاری در سینما و ایجاد نظام خاص تولید و توزیع فیلم در ایران کرده‌اند که بیانگر این موضوع است که سیاست‌گذاران سینمای ایران فهم یکسانی از اینکه کدام نوع سینما می‌تواند در خدمت مردم و انقلاب باشد، ندارند. آنچه پژوهش‌های صورت گرفته تاکنون به آن نپرداخته‌اند سرمشق‌های سیاست‌گذاری مورد استفاده مدیران سینمایی و نقش نظرات و دیدگاه‌های آن‌ها در سیاست‌گذاری هر دوره است که این پژوهش سعی در پاسخ به آن داشته است و از این جهت نوآوری این مقاله محسوب می‌شود.

۳. ادبیات نظری تحقیق

۱-۳. سیاست فرهنگی

پهلوان درباره سیاست فرهنگی معتقد است« اصطلاح "سیاست فرهنگی"در آغاز بکار می‌رفت تا مجموعه‌ی اقدام‌های دولت در حوزه فرهنگی و همچنین معنای آن‌ها را بتوان تعیین و مشخص کرد. طبیعی است که هر دولتی نه‌تنها به قصد تأثیرگذاری در حوزه فرهنگ دست به دخالت می‌زند، گاهی هم با عدم‌مداخله و اجتناب کردن از هر عملی می‌تواند بر همین حوزه تأثیر بنهد» (پهلوان، ۱۳۷۸: ۲۸۶). لذا هر دولت متناسب باسیاست‌های کلی خود دارای یک سیاست در حیطه فرهنگی نیز می‌باشد. بدین ترتیب به قول پهلوان «سیاست فرهنگی درواقع ادامه سیاست است با ابزار فرهنگی» (همان، ۲۸۹). دولت‌ها معمولاً بر اساس تعریف خود از فرهنگ اقدام به سیاست‌گذاری فرهنگ می‌کنند یعنی اولین مرحله در سیاست‌گذاری فرهنگی، تعریف فرهنگ است (آزاد ارمکی و منوری، ۵۱:۱۳۸۹). که دولت‌ها بر اساس آن متغیرها ، شاخص‌ها و دامنه و اهداف سیاست‌های فرهنگی را مشخص می‌کنند. بر این اساس سیاست‌گذاران فرهنگی معمولاً از سرمشق‌هایی همچون سرمشق آرمان‌شهرگرا، واقع‌گرا، راهبردی و توسعه‌ای در سیاست‌گذاری فرهنگی استفاده می‌کنند (فاضلی و قلیچ، ۲۱۰:۱۳۹۲). دو سرمشق عمده آرمان‌شهر گرا و سرمشق واقع‌گرا را می‌توان منشأ اصلی و کلی سیاست‌گذاری فرهنگی به‌حساب آورد.

۲-۳. سرمشق های سیاست گذاری فرهنگی

سیاست‌گذاران بر اساس تعریف خود از فرهنگ؛ متغیرها ، شاخص‌ها و دامنه و اهداف سیاست‌های فرهنگی را مشخص و معمولاً بر اساس سرمشق‌های سیاست‌گذاری موجود

اقدام بـه سیاسـت‌گذاری فرهنگـی می‌کننـد. کـم و بـیش چهـار سرمشـق سیاسـت‌گذاری آرمان‌شهر گرا، واقع‌گرا، راهبـردی و توسـعه‌ای در سیاسـت‌گذاری فرهنگـی مطـرح هسـتند (فاضلی و قلیچ، ۲۱۰:۱۳۹۲) که دو سرمشق عمده آرمان‌شـهر گـرا و سرمشـق واقـع‌گرا را می‌توان منشأ اصلی و کلی سیاست‌گذاری فرهنگی به‌حساب آورد.

سرمشق آرمان‌شهر گرا در اصل دلبستگی به ایجاد یک نظم اجتماعی آرمـانی داشـته و در کاربرد با مفهوم ایدئولوژی پیوند بسیار نزدیک دارد و از این جهت فراگیر و همه‌گیر است (خاشعی، ۳۲:۱۳۹۷). «در این نوع سیاسـت‌گذاری، تصـمیم گیـران درک نظـری و هسـتی شناسانه خود را از جهان، انسان، جامعه و فرهنگ مبنا قرار می‌دهند. بایـد و نبایـدهایی کـه در جهان‌بینی مطرح می‌شود پایه‌ی اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی قرار می‌گیـرد و نـه فهـم عینی جامعه و منطقی استقرایی. در اینجا سیاست‌گذار فرهنگی یا به شناسـایی مشـکلات و مسائل خاص فرهنگی نمی‌پردازد و یا این مسائل را بـا توجـه بـه ارزش‌هـا و آرمان‌هـا طـرح می‌کند» (اشتریان،۳۸:۱۳۸۱). این سرمشق به‌نوعی به دنبال یگانه سازی فرهنگی در جامعه است و« تصوری والا و معنوی از فرهنگ در درون خـویش دارد کـه بـر مبنـای آن، طرحـی هندسی از ارزش‌ها، هنجارها و رفتارها را در عرصه اجتماعی طراحـی می‌کنـد تـا بـه دقـت نشان دهد ارزش‌ها و هنجارهای عالی کدام‌اند» (صـالحی و عظیمـی ، ۹۵:۱۳۸۷). سرمشـق واقع‌گرا برعکس با آرمان‌ها و اهداف کلی آغاز نمی‌شود بلکه در ابتدا بیان عینی یـک مسـئله اجتماعی مطرح است و سیاست‌گذاری با تحلیل و علت‌یابی یک مسئله عینی و واقعی شروع می‌شود و سپس سیاست‌گذار با اتخاذ سیاست‌هایی برای حل آن اقدام می‌کند (آزاد ارمکـی و منوری، ۶۵:۱۳۸۹).

سرمشق	آرمان‌شهر گرا	واقع‌گرا
مبنای نظری	حکومت عهده‌دار پیاده کردن آرمان‌ها و پالودن حوزه‌ی فرهنگ عمومی است	حکومت مسئول در نظر گرفتن واقعیات و تکثر موجود در فضای موجود در فضای فرهنگی و اجتماعی است
معیار	تعبیر ایدئولوژیک از آرمان‌ها	خواسته‌ها و تمایلات اقشار

		مختلف
منبع	ایدئولوژی	مصلحت‌اندیشی معطوف به مسئله
روش‌شناسی	عقل‌گرایی فراگیر مبتنی بر ارزش	تحلیل هزینه-فایده، تجزیه و تحلیل عینی مشکلات
تمایز **گذاری**	برمبنای حدود و ارزش‌ها	برمبنای اجتماعی بودن
زبان	واژگان و مفاهیم از پیش تعیین‌شده	اصول عقلانی و اجتماعی
محدوده **عمل**	فراگیر حتی شاید در حوزه خصوصی	گزینش تجربی مواضع مناسب، روابط بین فردی
هدف	سعادت انسان‌ها	مصالح فردی و جمعی
روش **عمل**	اقدام در سطح جامعه به عنوان یک کل	آزمون و خطا و تجربه مداوم
راه درونی کردن	گردن نهادن به حدود و اوامر	عقل و محاسبه
ابزار اجرا	تبلیغ و هدایت و در صورت لزوم اجبار	تبلیغات و قوانین

جدول ۱: مقایسه سرمشق‌های سیاست‌گذاری فرهنگی

منبع: (آزاد ارمکی و منوری، ۶۶:۱۳۸۹)

بررسی سیاست های سینمایی بعد از انقلاب اسلامی تا ۱۳۹۲ نشان می دهد که از میان سرمشق آرمان‌شهرگرا، واقع‌گرا، راهبردی و توسعه‌ای تنها یکی از دو سرمشق آرمان شهرگرایی و واقع گرایی همواره در دوره های سیاست گذاری سینمایی مد نظر سیاست گذاران بوده است (فدائی، ۱۴۰۰). بنابراین در این پژوهش جهت بررسی سیاست‌گذاری سینمایی در دو دوره انتخاب‌شده تنها از دو سرمشق آرمان‌شهر گرا و واقع‌گرا برای بررسی سیاست‌گذاری این دو دوره استفاده‌شده است.

۳-۳. سیاست‌های سینمایی

سیاست‌های سینمایی هر کشور معمولاً به دنبال اهدافی چون توسعه و ارتقاء صنعت سینمایی ، ایجاد فرصت و مشاغل جدید در حوزه سینما، ارتقا و پرورش هنرمندان خلاق، حمایت از تولیدات موردنظر، جذب مخاطب بیشتر، افزایش سرمایه‌گذاری در تولید فیلم و جذب تولیدکنندگان خارجی ، تولید آثار فاخر و متناسب با هویت ملی و مواردی از این قبیل است. در همین رابطه آلبرت موران معتقد است: «سیاست‌های سینمایی امری معمول و رایج است اما یکی از اشکال و وجوه سیاست‌های فرهنگی است. حمایت‌های دولتی از تولیدات فرهنگی در اشکال گوناگون در سراسر کشورهای جهان برای قرن‌ها وجود داشته و خواهد داشت» (موران ، ۱۹۹۶: ۱۳۱). بدین ترتیب سیاست سینمایی بخشی از سیاست فرهنگی هر کشور است و متناسب با طراحی حرکت فرهنگی کشور حرکت می‌کند. از سویی دیگر بررسی ها نشان می‌دهد که مهم‌ترین دلیل و نیاز به طراحی و اعلام سیاست‌های سینمایی توسط یک کشور صیانت و پاسداری از هویت فرهنگی در هر کشور است. معمولاً سیاست‌های سینمایی در دو شکل کلی ایجابی و سلبی ارائه می‌شوند سیاست‌های سلبی سیاست‌هایی هستند که شمایل‌ها و نمادهای خاص، مضامین و موضوعات و به‌طورکلی نوع خاصی از فیلم و سینما را رد و نفی می‌کنند و برای جلوگیری از به‌کارگیری و ظهور آن‌ها در آثار سینمایی کشور قوانین و مقرراتی خاص را وضع می‌کنند. سیاست‌های ایجابی نیز برعکس در عمل از موضوعات و مضامین، نمادها و شمایل، اشکال و گونه‌های خاصی از فیلم حمایت و باعث ترویج و گسترش آن‌ها در جامعه می‌شود (راودراد و اسد زاده، ۶۵:۱۳۸۹).

۴. روش تحقیق

در پژوهش پیش رو از روش تحقیق تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار استفاده‌شده است. تحلیل محتوای کیفی به مطالعه نظام‌مند اسناد و مدارک می‌پردازد. بر اساس نظریهٔ شی یه و شانون می‌توان رهیافت‌های موجود درزمینهٔ تحلیل محتوا را به سه دسته تقسیم کرد که عبارتند از۱: .تحلیل محتوای عرفی و قراردادی؛ ۲. تحلیل محتوای جهت‌دار و ۳.تحلیل محتوای تلخیصی یا تجمعی. تفاوت روش تحلیل محتوای جهت‌دار نسبت به دو روش دیگر در نقش نظریه در این روش است. این روش معمولاً بر اساس روش قیاسی و متکی بر نظریه

است. نظریهٔ از پیش موجود می‌تواند به تمرکز بر پرسش‌های تحقیق کمک کند. بـه همـین دلیل به نظر می‌رسد تحلیل محتوا با رویکرد جهـت‌دار نسـبت بـه دیگـر روش‌هـای تحلیـل محتوا از فرایند ساختارمندتری برخوردار است. (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰). در ایـن پـژوهش شیوه گردآوری اطلاعات مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای بوده و جامعه آماری پـژوهش شـامل دفترچه‌ی سیاست‌های سینمایی هر دوره و مصاحبه‌ها و گفتگوهای مـدیران سـینمایی ایـن دو دوره با مطبوعات است. به این منظور در دوره مدیریت سـیف‌الله داد دفترچـه «اهـداف و سیاست های سینمای ایران در برنامه پنج سـاله سـوم» کـه در خردادمـاه ۱۳۷۸ و در دوره جواد شـمقدری دفترچـه «سیاسـت‌های سـینمایی: مبـانی، رویکردهـا، شـیوه‌های اجرایـی، حمایت‌ها، زیرساخت‌ها، بایسته‌ها» که در فـروردین ۱۳۸۹ توسـط معاونـت امـور سـینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشرشده‌اند انتخاب‌شده اسـت. همچنـین بـرای آگـاهی از دیدگاه‌ها و نظرات دو مدیر سینمایی موردنظر در خصوص سیاست‌های سینمایی اتخاذشده، تعداد ۳۶ مصاحبه و گفتگـو بـا سـیف‌الله داد در دوره زمـانی ۱۳۷۶ تـا ۱۳۸۲ و تعـداد ۲۸ مصاحبه و گفتگو با جواد شـمقدری در دوره زمـانی ۱۳۸۶ تـا ۱۳۹۲ از طریـق مراجعـه بـه مصاحبه‌ها و گفتگوهای انجام‌شده منـدرج در مطبوعـات، مجـلات و ماهنامـه‌های تخصصـی فیلم و سینما، مانند ماهنامه سینمایی فیلم، گزارش فیلم، دنیای تصـویر، ماهنامـه سـینما-تئاتر، هفته‌نامه سینما و جستجوی در پایگاه‌های اینترنتی شناسایی و انتخاب‌شده که تقریبـاً کلیه مصاحبه‌ها و گفتگوهای با این دو مدیر را در این دو دوره شامل می‌شـود. سـپس مـتن مصاحبه‌ها مطالعه و از طریق کدگذاری مطالب مرتبط با مقوله‌های پژوهش استخراج‌شـده و در مرحله آخر جهت اعتبارسنجی، کدهای انتخاب‌شده در اختیار سه تـن از همکـاران قـرار داد شده و پس از دریافت بازخوردها، بعضی از کـدها حـذف و مـوارد تـوافقی انتخـاب و در پژوهش مورداستفاده قرارگرفته شده است.

۵. یافته‌ها

یافته های تحقیق حاکی از آن است سیاست های سینمایی در دو دولت، تا حد زیـادی متاثرو متناسب با سیاست های فرهنگی هر دولت بوده است. به طور مثـال در دولـت سـید محمد خاتمی یا دوره اصلاحات سیاست های فرهنگی تحت تاثیر سر مشق واقع گرایی بوده

و مفـاهیم اصـلی حـوزه فرهنـگ در دوره عبـارت انـد از: «تعامـل فرهنگـی»، «مشـارکت فرهنگی»، «مبادله فرهنگی»، «گفتگوی فرهنگی»، «ارتباطات میـان فرهنگـی» و نظـایر آن (صدیق سروستانی و دیگران، :۱۳۸۹ ۱۸). اما در مقابـل در دوره احمـدی نـژاد رویکردهـا و سیاست های فرهنگی تحت تاثیر سرمشق آرمـان گرایـی بـوده و در حـوزه فرهنگـی نـوعی رویکرد به درون و بومی گرایی فرهنگی دنبال می‌شود. در این دوره مفاهیم و کلیدواژه های اصلی در حوزه فرهنگ و ارتبـاط بـا فرهنـگ جهـانی عبـارت اسـت از: «تهـاجم فرهنگـی»، «امپریالیسم فرهنگی»، «شبیخون فرهنگی»، «استحاله فرهنگی»، «ناتوی فرهنگی» و نظایر آن (همان، ۱۷). بدین ترتیب رویکردها و سیاست هـای فرهنگـی متفـاوت دو دولـت باعـث اعمال سیاسـت هـای سـینمایی متفـاوت و شـکل گیـری دو نـوع سـینما یعنـی سـینمای «مصلحانه» و سینمای «ارزشی» شده است.

۱-۵. سرمشق‌های سیاست‌گذاری در دو دوره

بررسی سیاست‌های سینمایی اتخاذشده توسـط سـیف‌الله داد و جـواد شـمقدری نشـان می‌دهد که هر کدام از این سیاست‌گذاران با توجه بـه رویکردهـای سیاسـی دولـت مسـتقر همچنین دیدگاه‌های جناحی و شخصـی؛ از سرمشـق‌های سیاسـت‌گذاری متفـاوتی بـرای سیاست‌گذاری سینمایی دوران خود استفاده کرده‌اند. بر این اساس سیف‌الله داد از سرمشـق واقع‌گرا و جواد شمقدری نیز از سرمشق آرمان‌شهر گرایـی بـرای سیاسـت‌گذاری سـینمایی استفاده کرده‌اند که ویژگی هر کدام از این سرمشق‌ها مبتنی بر جدول شماره ۱ آورده شـده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سیاست‌گذار	سیف‌الله داد	جواد شمقدری
سرمشق سیاست‌گذاری	واقع‌گرا (سیاست‌های سینمایی متناسب با واقعیت‌ها و فضای فرهنگی و اجتماعی است)	آرمان‌شهر گرا (سیاست‌های سینمای متناسب با آرمان‌ها و ارزش‌های ایدئولوژیک است)

منبع سیاست‌گذاری	جامعه (مردم به عنوان محور اصلی سینمای ایران)	ایدئولوژی (حاکم بودن بینش توحیدی بر تمام شئون حیات مردم)
معیار سیاست‌گذاری	خواسته‌ها و تمایلات اقشار مختلف جامعه به خصوص اهالی سینما	تعبیر ایدئولوژیک از آرمان‌ها و ارزش‌های فرهنگی خودی
تمایز گذاری در حوزه سینما	برمبنای مسئولیت اجتماعی (عمل به قانون سینمایی)	برمبنای حدود و ارزش‌ها (عمل به تکلیف و ارزش های دینی)
زبان	اصول عقلانی و اجتماعی	واژگان و مفاهیم از پیش تعیین‌شده
محدوده عمل	گزینش انتخابی و آزادانه مواضع مناسب توسط سینماگر	فراگیر حتی شاید در حوزه خصوصی و شخصی سینماگر
هدف	تأمین مصالح فردی (سینماگر و جمعی(جامعه)	تامین سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها
روش عمل	آزادی در انتخاب و مشارکت برای سینماگر	دستوری و اقدام در سطح جامعه سینمایی به عنوان یک کل
ابزار اجرا	تبلیغ، نظارت و استفاده از قوانین و حتی قانون سینما	تبلیغ، هدایت و در صورت لزوم اجبار
سینمای دلخواه	سینمای «مصلحانه»	سینمای «ارزشی»

جدول ۲: مقایسه سرمشق‌های سیاست‌گذاری در دوره معاونت سیف‌الله داد و جواد شمقدری

منبع: نگارنده

۲-۵. سینمای «مصلحانه» (۱۳۷۶-۱۳۸۰)

با پیروزی محمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری دوم خرداد سال ۱۳۷۶سیف‌الله

داد از فیلم سازان بعد از انقلاب و سازنده فیلم تبلیغاتی سید محمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۷۶ به عنوان معاون سینمایی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منسوب می‌شود. وی در فضایی پر از انتظار و توقع از سوی مردم و به خصوص فیلم‌سازان مسئولیت سینمای کشور را بر عهده گرفت و اقدامات و شعارهای فرهنگی تحت تأثیر گفتمان اصلاحات یکی از شاخصه‌های اصلی دوران کاریش است (غفوری آذر، ۲۳:۱۳۸۸). برخی از سیاست‌ها و اقدامات سیف‌الله داد از جمله تلاش برای تصویب «قانون سینما» در این دوره به‌شدت چالش‌برانگیز بوده و البته به نظر می‌رسد سیاست قانونمند کردن فعالیت‌های سینمایی و سمعی و بصری در کشور متأثر از فضای انتخاباتی و در راستای شعار و سیاست قانون مداری دولت اصلاحات بوده است(صفاریان، ۱۳۷۷). یکی از اصطلاحات ارائه‌شده توسط سیف‌الله داد که نشان از نوع نگاه و بینش او از سینما و همچنین نوع الگو گیری از سرمشق واقع گرایی دارد، اصطلاح سینمای «مصلحانه» است. وی در این‌باره معتقد است: «ما در دفترچه سیاست‌هایمان هم عنوان جدیدی درست کردیم به نام "سینمای مصلحانه" یعنی هر نوع فیلمی که به هر موضوع و هر پدیده‌ای می‌پردازد تا خار مقابل پایمان را بردارد» (داد، ۲۷:۱۳۷۷).

۱-۲-۵. سیاست‌های اصلی دوره سینمای مصلحانه

سیف‌الله داد و همکارانش در این دوره، متناسب با گفتمان و رویکردهای دولت اصلاح طلب برنامه ای راهبردی به نام «اهداف و سیاست‌های سینمای ایران در برنامه ۵ ساله سوم» سیاست‌ها برای اداره سینمای کشور ارائه می‌دهند. بررسی برنامه راهبردی ارائه شده، نشان می‌دهد که اهداف و سیاست‌های سینمای ایران در این دوره متناسب و متاثر از سرمشق واقع گرایی است.

سیاست	هدف
قانونمند کردن فعالیت‌های سینمایی و سمعی و بصری	تبدیل نظارت مستقیم دولتی به نظارت عالیه قانونی و تأکید بر انجام کلیه امور در چارچوب قانون سینما
بهبود کارکرد فرهنگی	نزدیک کردن سینما از نظر فرهنگی به نیازهای

فیلم‌های ایرانی	مردم
رونق مستمر اقتصادی و بهبود ساختار بخش خصوصی	اهمیت به اصلاح اقتصادی و جنبه صنعتی سینمای ایران و رشد بخش خصوصی
حضور بین‌المللی وجذب سرمایه‌های خارجی	ایجاد بازار دوم برای سینمای ایران و حضور فعال در سایر کشورها
تأسیس سازمان سینمایی کشور	پویایی و موفقیت در بخش مدیریت کلان سینمای ایران
گسترش صنعت رسانه‌های تصویری	اشتغال‌زایی و ضرورت عظیم و رنگین کردن سفره ملی فرهنگی و هنری
توسعه آموزش و پرورش	رشد درک عمومی از سینما و رسانه های تصویری و شناسایی استعدادهای جوان کشور و درنتیجه بالندگی سینمای کشور
حذف شرط تصویب فیلم‌نامه برای تولید فیلم	تربیت فیلم‌نامه نویسان حرفه‌ای و ارتقا جایگاه آن‌ها در سینمای ایران

جدول ۳: سیاست‌های اعلام‌شده در دوره مدیریت سیف‌الله داد

منبع: نگارنده(دفترچه اهداف و سیاست‌های سینمای ایران در برنامه ۵ ساله سوم- خرداد ۱۳۷۸)

۳-۵. سینمای «ارزشی» (۱۳۸۸-۱۳۹۲)

با انتخاب مجدد محمود احمدی نژاد در دور دوم ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸ جواد شمقدری که در دوره اول ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد به عنوان مشاور هنری و همچنین سازنده فیلم تبلیغاتی وی در انتخابات ۱۳۸۸ ساخته بود، به عنوان معاون سینمایی انتخاب شد. این دومین باری است که معاون سینمایی از میان سازندگان فیلم تبلیغاتی رئیس‌جمهور پیروز، انتخاب می‌شود. این دوره از سیاست گذاری سینمایی متاثر از رویکرد و گفتمان حاکم دولت بر فرهنگ کشور بود که برخی آن را با نام هایی همچون «اصولگرای عدالت محور، آرمانگرای اصول محور یا گفتمان ایدئولوژیک ارزش محور میشناسند» (بصیری و احمدی نژاد، ۲۸:۱۳۹۵). بدین ترتیب جواد شمقدری اصطلاح

سینمای «ارزشی» را تحت تاثیر گفتمان فرهنگی دولت که به نوعی نشات گرفته از سرمشق آرمان گرایی بود را مطرح می کند وی معتقد است برای تعریف دقیق سینمای « ارزشی»، ابتدا باید چارچوب ارزشی و تفکر ارزشی خودمان را مطرح کنیم تا بتوانیم به تعریف مشخصی از سینمای ارزشی برسیم. « از دیدگاه ما یک سینمایی ارزشی خواهد بود که خاستگاه و نقطه شروع آن پیامی که در قالب سینما و این اثر هنری شکل می‌گیرد، همین ارزش‌های متبلور در اسلام و انقلاب اسلامی است» (شمقدری، ۶:۱۳۸۴).

۱-۳-۵. سیاست‌های اصلی دوره سینمای ارزشی

در این دوره سیاست گذاری مبتنی بر سرمشق آرمان گرایی «حاکم بودن بینش توحیدی بر تمامی شئون و عرصه حیات فردی و اجتماعی» به عنوان بینش و موضوع اصلی سینمای ایران مد نظر قرار گرفته و بر مبنای آن سیاست های سینمایی طراحی و اعلام می شود (دفترچه سیاست‌های سینمایی، ۱۳۸۹).

سیاست	هدف
حاکم بودن بینش توحیدی بر تمامی شئون و عرصه حیات فردی و اجتماعی	تأکید بر پیام (خاص مثل دین خواهی و...) تمرکز بر موضوعات اولویت دار (مثل مفاهیم دینی و قرآنی، انقلاب اسلامی) و تبیین اصول نظری هنر دینی
ایجاد اعتدال در تمامی جنبه‌های سینما و فیلم‌سازی	تعادل مطلوب بین چهار وجه: هنری، صنعتی، انتقال پیام و جذابیت
تقسیم عادلانه فرصت کاری برای همه اهالی سینما	بر جلوگیری از ویژه خواری (رانت‌خواری)افراد، گروه‌ها و جمع‌های خاص
نفی مرکزگرایی و توجه به شهرستان‌ها	ایجاد عدالت کاری و فرهنگی برای کل کشور در جهت باروری استعدادها و ظرفیت‌های هنری در کلیه نقاط کشور
تشکیل شورای عالی سینما	شورایی متشکل از رئیس‌جمهور ، وزیر فرهنگ ارشاد اسلامی و مدیران سینمایی و

	جمعی از فیلم‌سازان برای بررسی مباحث کلان سینما
تأسیس سازمان سینمایی	جذب بودجه بیشتر و رفع مشکلات سازمانی و عملکرد بهتر
جذب مشارکت نخبگان در سینما	گروه نخبگان در این دوره شامل گروه‌های دانشگاهی، نهادهای دینی، ارگان‌های دولتی و مراکز قانونی، روحانیت ، حوزه‌های علمیه ، متفکران اجتماعی
جذب مخاطبان بالقوه	جذب اقشار و مخاطبانی چون خانواده‌ها، آموزش و پرورش، اقشار بسیجی، روحانیان، نخبگان علمی و دانشگاهی، روستانشینان، شهرها و شهرستان‌های کوچک در حلقه مخاطبان سینمای ملی
تحول فنی و فن‌آوری‌های نوین	استفاده از امکانات فنی و فن‌آوری جدید به خصوص امکانات دیجیتال در مراحل پیش‌تولید، تولید و پس از تولید
ایجاد رونق تولید	تأمین نیازهای اکران سینماهای کشور، شبکه خانگی و بازی‌های رایانه‌ای
حمایت از تأسیس دفاتر و مؤسسات" پژوهش و نگارش فیلم‌نامه "	تولید فیلم‌نامه‌های مناسب با اهداف موردنظر
تولید فاخر و منطقه‌ای	تولید فیلم‌های سینمایی با موضوع ویژه و ارزشمند و مناسبات منطقه‌ای به خصوص موقعیت ایران و مقاومت اسلامی و انقلاب اسلامی
هدایت سینمای ایران به سمت خصوصی‌سازی	خصوصی‌سازی و کاهش تصدی‌گری دولت

جدول۴: سیاست‌های اعلام‌شده در دوره مدیریت جواد شمقدری

منبع: نگارنده (دفترچه سیاست‌های سینمایی، ۱۳۸۹)

یافته ها نشان می دهد، علیرغم تفاوت در دیدگاه و سرمشق های سیاست گذاری فرهنگی دو دولت اصلاح طلب و اصول گرا، سیاست های اعمال شده توسط دو مدیر سینمایی دارای مشابهت‌های زیادی در موضوع سیاست‌ها می‌باشد.

سیاست موردتوجه	سیف‌الله داد (اصلاح طلب)	جواد شمقدری (اصول گرا)
اهمیت فیلم‌نامه و فیلم‌نامه‌نویس	موافق	موافق
حذف شرط تصویب فیلم‌نامه برای تولید فیلم	موافق	مخالف
بهبود کارکرد فرهنگی	موافق	بی‌نظر
اصل رونق اقتصادی	موافق	موافق
ایجاد رونق تولید	موافق	موافق
اهمیت بخش خصوصی	موافق	موافق
شورای عالی سینما- شورای تخصصی سینما	موافق	موافق
ایجاد سازمان سینمایی	موافق	موافق
جشنواره‌های خارجی	موافق	مخالف
جذب مخاطبان	موافق	موافق
حاکم بودن بینش توحیدی بر تمامی شئون و عرصه حیات فردی و اجتماعی	بی‌نظر	موافق
قانون سینما	موافق	بی‌نظر
توسعه آموزش و پرورش	موافق	موافق
نفی مرکزگرایی و توجه به شهرستان‌ها	موافق	موافق

جدول ۵: بررسی تطبیقی سیاست‌های مدیران دو دولت (اصلاح طلب- اصول گرا)

منبع: نگارنده

۶. نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی سیاست‌های ارائه‌شده توسط دو سیاست‌گذار سینمایی در دو دولت اصلاح طلب و اصول گرا نشان می‌دهد که علیرغم اینکه مسائل و موضوعات انتخاب‌شده در دو دوره، بسیار به هم شبیه بوده است. اما در شیوه حل مسئله و پرداختن به موضوعات هر کدام از سیاست گذاران متفاوت و گاه کاملاً متضاد و به‌گونه‌ای در تقابل با یکدیگر عمل کرده اند. به نظر می‌رسد این تضاد و تفاوت درواقع ناشی از نوع دیدگاه و سرمشق سیاست‌گذاری انتخابی است که هر کدام از این سیاست‌گذاران متناسب با نوع تعریفی که دولت مستقر، از فرهنگ داشته، اتخاذ کرده اند. بدین ترتیب درحالی‌که سیف‌الله داد از سرمشق واقع‌گرایی در سیاست‌گذاری خود استفاده کرده، جواد شمقدری با توجه به فضای سیاسی و فرهنگی حاکم بر دولت آن زمان از سرمشق آرمان‌شهرگرایی برای سیاست‌گذاری سینمایی خود، بهره برده است. طرح سینمای «ارزشی» توسط جواد شمقدری، ناشی از نگاه آرمان‌گرا و ایدئولوژیک وی نسبت به مقوله فرهنگ و سینما بوده و طرح سینمای «مصلحانه» توسط سیف‌الله داد نیز متأثر از واقعیات اجتماعی، فضای حاکم و شعارهای اصلاح طلبانه دولت در آن زمان و درواقع ناشی از سرمشق واقع‌گرایی در حوزه فرهنگ و سینما است. سیاست‌های سینمایی سیف‌الله داد و روش عمل او بر اساس سرمشق واقع‌گرا به‌نوعی ایجاد فضای مشارکت، آزادی در انتخاب و در کل دموکراتیک بوده، در حالی که سیاست‌های سینمایی جواد شمقدری بر اساس سرمشق آرمان‌شهر گرایی، دستوری، غیر انتخابی و یک‌جانبه بوده است. اما از سویی دیگر تشابه موضوعی برخی سیاست‌های اتخاذشده در دو دوره متفاوت، نشان از آن دارد که مسائل و مشکلات سینمای ایران که هدف و به نوعی بهانه‌ای برای سیاست‌گذاری بوده‌اند، مسائل و مشکلاتی ثابت و ریشه‌ای هستند که اتخاذ سیاست‌ها بر مبنای یک سرمشق و رویکرد سیاست‌گذاری یا نتوانسته به حل آن‌ها کمک کند یا حداقل کم اثر بوده‌اند. به‌طور مثال هر دو سیاست‌گذار به اهمیت و ضرورت پرداختن به معضل فیلم‌نامه و ارتقای جایگاه فیلم‌نامه و فیلم‌نامه‌نویس در سینمای ایران اذعان و با این موضوع موافق بوده‌اند، اما برای حل این مشکل، سیاست‌هایی متفاوت اتخاذ کرده‌اند. سیف‌الله داد اهمیت را به فیلم‌نامه‌نویس و ارتقای جایگاه او در سینمای ایران

داده و معتقد است اگر قرار باشد در سینمای ایران سرمایه‌گذاری اصولی صورت بگیـرد ایـن سرمایه‌گذاری باید بر روی فیلم‌نامه و تربیت فیلم‌نامه نویسان و ارتقـا جایگـاه آن‌هـا باشـد و سیاست حذف شرط تصویب فیلم‌نامه برای تولید فـیلم را بـه نـوعی در راسـتای حمایـت از فیلم‌نامه‌نویس می‌داند. اما از نظر جواد شـمقدری بزرگتـرین مشـکل فیلم‌نامـه در سـینمای ایران از سویی ضعف در محتوا و تنوع مضامین مختلف و از سوی دیگـر مسـائل تکنیکـی از جمله عدم کشش و جذابیت داستانی است. شمقدری ضمن اذعان به لزوم حمایت و آموزش فیلم‌نامه نویسان معتقد است با حاکم بودن بینش توحیدی بر تمامی شئون و عرصه حیـات فردی و اجتماعی همچنین با تأکید بر پیام‌هـای انسـانی و الهـی می‌تـوان معضـل محتـوا و مضمون را در سینمای ایران را رفع کرده و در همین راستا سیاست موضوعات اولویـت دار و سیاست حمایت از دفاتر و مؤسسات «پژوهش و نگارش فیلم‌نامـه» را اتخـاذ می‌کنـد. بـدین ترتیب برای یک مشکل و معضـلی کـه هـردو بـا آن موافـق بوده‌انـد، هـر کـدام بـر اسـاس دیدگاه‌های سیاسی حاکم و سرمشق سیاست‌گذاری انتخاب‌شده، راه خـود را رفتـه و سـعی کرده‌اند راهکار خود را ارائه کنند. یکی با نگاه آرمان‌گرایانه و البته ایـدئولوژیک و دیگـری بـا نگاه واقع‌گرایانه و البته مصلحت اندیشانه. درعین‌حـال عملکـرد ایـن سیاسـت‌گذاران نشـان می‌دهد که این سیاست‌گذاران به‌طور کامـل بـه سرمشـق‌های سیاسـت‌گذاری خـود وفـادار نبوده و گاه تحت تـأثیر رقابت‌هـای جنـاحی و سیاسـی دولت‌هـا حتـی اقـداماتی در تضـاد باسیاست‌های خود داشته‌اند. به‌طور مثال درحالی‌که جواد شـمقدری مخـالف بـا حضـور در جشنواره‌های خارجی است و جشنواره‌های خارجی را به‌نوعی، دام برای سینما می‌داند. برای کسب اولین اسکار سینمای ایران به گفته خود با این جشنواره آمریکایی لابی می‌کنـد. ایـن موضوع بیانگر آن است که سیاست‌گذاران سینمایی در ایـران بـیش از آنکـه حتـی متـأثر از سرمشق‌های سیاست‌گذاری خود باشند متأثر از فضاسازی‌ها و رقابت‌هـای جنـاحی بوده‌انـد. این یافته با نتایج پژوهش راودراد و تمنایی (۱۳۹۲) در خصوص معرفی فیلم‌هـای *بچـه‌های آسمان* در دوره سیف‌الله داد و فیلم *جدایی نادر از سیمین* در دوره جواد شمقدری به اسـکار و همچنین نتایج پژوهش اسد زاده و آشنا(۱۳۹۹) در رابطه با *تحلیل سیاستگذاری سینمای پس از انقلاب با تأکید بر سیاستهای بنیـاد سـینمایی فـارابی* نیـز همخـوانی دارد. درواقـع رقابت‌های جناحی و سیاسی سطح سیاست‌های سـینمایی را در ایـران از سـطحی ملـی بـه سطحی جناحی و مقطعی فرو کاسته و اهداف سیاست‌گذاران سینمایی را که به ادعای خود

هر کدام دل درگرو بالندگی و توسعه سینمای کشور از زاویه دید خود داشته‌اند را بی‌اثر و یا کم اثر کرده است و حل مشکلات و معضلات سینمای ایران برای شاید وقتی دیگر، باقی‌مانده است.

بر این اساس پیشنهاد می‌شود با توجه به تجربیات و بازخوردهای حاصل‌شده از اتخاذ سرمشق‌های سیاست‌گذاری‌های یادشده و سیاست‌های سینمایی وابسته به آن، سیاست‌گذاری سینمایی در ایران با نگاهی فراجناحی و فراگیر (ترکیبی از دو سرمشق سیاست‌گذاری آزمون شده) و با چشم‌اندازی طولانی مدت ترسیم شود تا از انسجام و اثر بخشی لازم برخوردار باشد. در این راستا سرمشق واقع‌گرا میتواند چونان چراغی روشن‌کننده مسیر پیش‌رو باشد و سرمشق آرمان‌گرا نقش مهم راهبری و هدایت‌گری مسیر را بر عهده گیرد. در این رویکرد، واقع‌گرایی به معنای دیدن واقعیت‌های جامعه در صورت اتمّ خود است؛ اما واقعیت در بیان سینمایی نه ابزاری برای خودتحقیری بلکه با راهبری نگاه آرمانگرایانه، بستری برای آشکارگی، راه گشایش است. به دیگر بیان، در نگاه ترکیبیِ پیشنهادی، رسالت اصلی سینمای جمهوری اسلامی و سیاستگذارانش رسیدن به سینمایی است که به دور از رویکردهای سلیقه‌ای و جناحی، از بستر تصویرگری واقعیت های روزمره‌ی جامعه ایرانی و جهانی، راه گشایش و رسیدن به جامعه‌ی توحیدی و آرمانی به مخاطب را نشان میدهد.

۷. تقدیر وتشکر

بدین وسیله از «صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور» به خاطر حمایت مالی و معنوی در انجام پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.

پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱.اسد زاده، مصطفی و حسام الدین آشنا،۱۳۹۹، نظریه سینمای دولتی ایران (تحلیل سیاستگذاری سینمای پس از انقلاب با تأکید بر سیاستهای بنیاد سینمایی فارابی)، فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، شماره ۳۴، ص ۲۵۳-۲۷۱.

۲.اشتریان، کیومرث،۱۳۸۱، روش سیاستگذاری فرهنگی. تهران، کتاب آشنا، چاپ اول.

۳.اهداف و سیاست های سینمای ایران در برنامه ۵ ساله سوم، معاونت سینمایی و سمعی و بصری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، خرداد۱۳۷۸.

٤.آزاد ارمکی، تقی و نوح منوری، ۱۳۸۹، ارائه مدلی برای تحلیل محتوای سیاست های فرهنگی، نشریه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۲۰، ص ۴۷-۷۶.

٥.بصیری، محمد علی، احمدی نژاد، حمید، ۱۳۹۵، تبیین دیپلماسی فرهنگی سید محمد خاتمی و محمود احمدی نژاد در نظام بین الملل، رهیافت های سیاسی و بین المللی، شماره ۴۶، ص ۹-۴۷.

٦.پهلوان، چنگیز، ۱۳۷۸، فرهنگ شناسی (گفتارهایی در زمینه ی فرهنگ و تمدن)، تهران، انتشارات پیام روز.

۷.تاج الدینی، علی،۱۳۷۸، سیاستگذاران سینمای پس از انقلاب اسلامی، نقد سینما، شماره ۱۹، ص ۱۳۱-۱۴۷.

۸.خاشعی، وحید،۱۳۹۷، موردکاوی در سیاستگذاری فرهنگی، تهران، نشرفوژان.

۹.داد، سیف الله ،۱۳۷۷، بحثی با سیف الله داد معاون سینمایی وزیر ارشاد، سینما- تئاتر، آرشیو کتابخانه ملی ایران.

۱۰. داد، سیف الله، ۱۳۷۸، تاسیس خانه سینما با سیاست دولت در دهه شصت همخوان نبود، اقتصاد فرهنگ ،شماره۲۰،ص ۷۵-۷۸.

۱۱. دریس، پویا؛ نصراصفهانی،آرش و محمد روزخوش،۱۳۹۸، تحلیلی از بافت انضمامی سیاستگذاری فرهنگی در ایران، پژوهشی درباره عدم شفافیت و ابهام در سیاستگذاری فرهنگیِ ایران، نشریه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۵۶، ص ۴۹-۶۵.

۱۲. دفترچه اهداف و سیاست های سینمای ایران در برنامه ۵ ساله سوم- خرداد ۱۳۷۸

۱۳. راودراد، اعظم و مصطفی اسدزاده، ۱۳۸۹، جامعه شناسی سیاسی ایران(بایدها و نبایدهای سیاست گذاران سینمای ایران در دهه های۱۳۷۰و۱۳۸۰) ، فصلنامه علمی «مطالعات فرهنگ -

ارتباطات»، شماره ۴۱، ص ۵۷ –۸۸.

۱٤. راودراد، اعظم، امیر حسین تمنایی. ۱۳۷۸ « تحلیل رابطه سیاست های فرهنگی– سینمایی ایران با فیلم های معرفی شده به عنوان نمایندگان سینمای ایران به آکادمی اسکار»،فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره: ۲۱.ص ۸۱– ۱۰۳.

۱۵. شمقدری ، جواد ، ۱۳۸۴، محصولات سینمایی، غذای مسموم، میوه گندیده ، گفتگو با جواد شمقدری کارگردان متعهد سینما و مشاور فرهنگی، هنری رییس جمهور». رسالت (۲ آذر ۱۳۸۴):ص ۶ .

۱٦. شمقدری، جواد ،۱۳۹۳، شمقدری: سینمای دفاع مقدس در دوره اصلاحات دچار سکته شد». سینماپرس، شنبه ۱ شهریور ۱۳۹۳. برگرفته از:

۱۷. شمقدری، جواد، بی تا، تعریف دقیقی از سینمای متعهد نداریم». روزنامه قدس. آرشیو دیجیتال کتابخانه ملی.

۱۸. شیر محمدی، جمال، ۱۳۷۶، سیاستگذاران یا سیاست بازان سینمای بعد از انقلاب، تهران، نشرناوک.

۱۹. صالحی، سید رضا و امیر عظیمی دولت آبادی، ۱۳۸۷، مبانی سیاستگذاری و برنامه ریزی فرهنگی، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۲۰. صدیق سروستانی، رحمت الله و قاسم زائری،۱۳۸۹، بررسی گفتمانهای فرهنگی پساانقالبی و روندهای چهارگانه موثر بر سیاست فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران، مجله پژوهشنامه، شماره۵۴ ، ص ۹–۳۸.

۲۱. غفوری آذر، بابک، ۱۳۸۸، پایان انتظار ۴ ساله آقای مشاور، مثلث،ص ۷۴–۷۵.

۲۲. غفوری آذر،بابک، ۱۳۸۸، پرونده یک موضوع : معاونت سینمایی ، رفت آمد در عمارت خیابان کمال الملک، خردنامه همشهری، شماره ۳۶، ص۱۶–۲۷.

۲۳. فاضلی، نعمت الله و مرتضی قلیچ،۱۳۹۲ نگرشی نو به سیاست فرهنگی، تهران، انشارات تیسا.

۲٤. فدائی، مجید، ۱۴۰۰، سودای سیمرغ، اصفهان، فرا هستی.

۲۵. گزارش نامه (گزارش آماری– تحلیلی عملکرد سازمان سینمایی)، بی تا، تهران، ناشر مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی.

۲٦. لعلی، امیر،۱۳۹۰، جواد شمقدری از حاشیه های اکران نوروزی می گوید: «دیکتاتورها می

خواهند شکست های سیاسی خودشان را در سینما جبران کنند»، مدیریت اطلاعات، شـماره ۱۲،ص ۲۳-۱۷.

۲۷. «مرور بدون تحلیل ایسنا بر تمام مصوبات شورای عالی سینما تـاکنون (۱۳۹۱)» ایسـنا، ۱۰ خرداد ۱۳۹۱، تاریخ دسترسی بهمن ۱۳۹۹.

۲۸. http://***cinemapress***.ir/news/۵۴۳۲۲

۲۹. ***https://www.isna.ir/news/***۹۱۰۳۱۰۰۶۶۷۷

۳۰. ***Moran, Albert. (1996). Film Policy (***International***, National and regional Perspectives). Routledge.***

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی